

گفت‌وگوی صبا با محمد میرکیانی، نویسنده کودک و نوجوان

نوشتن برای کودک و نوجوان آسان نیست

محمد میرکیانی یکی از نویسندگان پر سابقه معاصر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌رود. او فعالیت خود را در این حیطه در دهه ۶۰ شروع کرد و تا امروز آثار متعددی را برای کودکان و نوجوانان به رشته تحریر در آورده است. او برای نگارش کتاب «روز تنهایی من» در حوزه مجموعه قصه، برگزیده پنجمین دوره کتاب سال شد و بعضی از آثار او تا امروز به تولیدات تصویری و تلویزیونی تبدیل شده‌اند. میرکیانی همچنین در کنار فعالیت نویسندگی، در این سال‌ها مدیریت بخش کودک شبکه‌های مختلف را هم به عهده داشته است. با این نویسنده درباره جایگاه باز نویسی و باز آفرینی در حوزه ادبیات کودک به گفت‌وگو نشستیم.

آزاده صالحی
گفت‌وگو

شما در زمره نویسندگانی قرار دارید که به مدد باز نویسی و باز آفرینی در حوزه ادبیات کودک، آثار ماندگاری ارائه کرده‌اید که «قصه ما مثل شد» یا «قصه ما همین بود» از این جمله هستند. امروزه بر تعداد نویسندگانی که وارد حوزه ادبیات کودک شده‌اند اضافه شده است و جالب این که به همان نسبت، شاهد رشد کمی آثار باز نویسی در این زمینه هم هستیم. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که از بطن این کمیت انبوه، خروجی چنین فعالیت‌هایی چقدر به خلق آثار کیفی و مفید برای طیف کودک و نوجوان منجر شده است؟

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که باز نویسی و باز آفرینی برای کودک و نوجوان مرزی نمی‌شناسد. از این رو، حکایت‌ها و افسانه‌های عامیانه را می‌توان به اشکال گوناگون منبع الهام نگارش آثار امروزی در حیطه باز نویسی و باز آفرینی قرار داد. این مسئله هم به ظرفیت، نوآوری و پژوهش نویسنده در حیطه ادبیات کهن برمی‌گردد. هر چقدر که نویسنده این توان را داشته باشد تا از ظرفیت‌های بیکران ادبیات کهن بهره بگیرد و به نوآوری و از همه مهم‌تر، پژوهش بپردازد، اثر ماندگارتری تولید خواهد کرد. مشکل این است که در این بحث، بسیاری از نویسندگان کار را ساده می‌گیرند و فکر می‌کنند چون مخاطبان این کتاب‌ها کودکان و نوجوانان هستند، نیازی به پژوهش و تحقیق چندانی نیست. در حالی که باید اثری در زمینه باز نویسی و باز آفرینی دستمایه کار قرار بگیرد که برای مخاطب امروز معیار واقع شود، در واقع نویسنده باید براساس ذائقه مخاطب پیش برود. من طی ماه‌های اخیر نگارش مجموعه‌ای ۲۰ جلدی را برای کودکان و نوجوانان باز نویسی کرده‌ام که در طول امسال منتشر می‌شود. در این مجموعه تلاشم بر این بوده تا براساس ذائقه مخاطب امروز پیش بروم. به خصوص این که نوجوانان امروز، به تریلر و داستان‌های پرماجرایی علاقه زیادی دارند. در این زمینه داستان‌هایی را طراحی کرده‌ام که شاید بتوان گفت، با کارهای دیگری که قبلاً در این ژانر نوشته شده کاملاً متفاوت است. ادبیات کهن ما ظرفیت بی‌پایانی دارد و همان طور که اشاره کردم، بستگی به نویسنده دارد که از چه زاویه و با چه هدفی تصمیم به باز نویسی باز آفرینی در این حیطه بپردازد. نکته‌ای که شاید برخی از نویسندگان در این حوزه به آن کمتر توجه می‌کنند این است که کتابهایی که در قالب باز نویسی و باز آفرینی ارائه می‌شوند، زمینه ساز آشنایی کودک با زوایای پیدا و پنهان ادبیات کلاسیک ایران است تا وقتی بزرگ شد، به شکل خودآگاه به سراغ اصل این آثار برود و به مطالعه عمیق‌تری در این زمینه بپردازد. اما در سال‌های اخیر، ما با آثار تکراری و مشابه یکدیگر مواجه می‌شویم، حتی در مواقعی، به یک اثر باز نویسی در ادبیات کهن برمی‌خوریم که نه تنها زمینه اشتیاق خواننده را نسبت به خوانش اصل اثر فراهم نمی‌کند که شاید از میل او نسبت به پیگیری و مطالعه بیشتر ادبیات کهن هم بکاهد! چون نویسنده در باز نویسی و باز آفرینی عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته است. در صورتی که قصه باز نویسی شده، مقدمه‌ای است تا مخاطب کودک و نوجوان به سراغ متون اصلی در این زمینه برود.

نکته دیگر در این حیطه این است که به نظر من در سال‌های اخیر به دلیل تعدد نگارش کتاب‌های مختلف، مرز میان باز نویسی و باز آفرینی تا حدود زیادی مخدوش شده است، به نظر شما مخاطب کودک و نوجوان چطور می‌تواند این مرز را تشخیص دهد؟

این سوال فنی و کارشناسی است که نباید از کنار آن ساده گذشت. ببینید گاهی نویسنده، زبان یک حکایت ادبی را ساده و قابل فهم می‌کند که به آن ساده نویسی گفته می‌شود، گاهی هم به باز نویسی یک متن می‌پردازد که یک پله جلوتر از ساده نویسی است. یک مرحله دیگر هم وجود دارد و آن نظیره‌سازی است، در این زمینه نویسنده از عناصر ادبیات کهن برای خلق یک اثر استفاده می‌کند ولی در نهایت، داستانی امروزی می‌نویسد و در باز آفرینی، نویسنده حکایت ادبی را دستمایه کار خود قرار می‌دهد و به شخصیت‌ها و فضای داستانی و وقایع را پروبال و پرورش می‌دهد. خود من در سال‌های اخیر کتاب‌هایی در قالب نظیره نویسی برای کودکان و نوجوانان کار کرده‌ام که از آن جمله می‌توان به «عمو رستم و دایی سهراب» اشاره کرد. با وجود این که هر دوی این شخصیت‌ها برگرفته از قهرمانان شاهنامه هستند اما در این کتاب، زندگی امروزی دارند، به این روش می‌گویند نظیره‌سازی. نویسنده زمانی

